

آقای وزیر اقتصاد  
از آمار خروج سرمایه هم  
برایمان بگویید



@MoeeenDaily

۲۰۰۰۰ تومان

یکشنبه ۱۰ تیر ۱۴۰۳ | سال ۲۱ | صفحه ۸ | شماره ۶۷۹۱

مراکز معاینه فنی خودرو و برادران پسر وستگار

همه روزه آماده خدمت رسانی به مشتریان و همسفران عزیز میباشند.  
۱- رت - روبروی فرودگاه خودروی سبک - مرکز ۴۰۴  
۲- رت - لانشهر خودرو سبک - لرسیده به تقاطع راه آهن مرکز ۴۴۳  
۳- شمال - چوکام - خودروی سبک - مرکز ۳۴۰۱  
۴- شمال - چوکام - خودروی سنگین - مرکز ۵۴۳  
تلفن: ۰۵۰-۲۲۷۲۲۲۰۰-۲۲۴۰۲۴۴۸

تمام قضیه سیاسی نیست

## معمای مشارکت پایین

صفحه ۲

پل شهید مدافع حرم (عبدالحمید ساکنی) در بندر عباس افتتاح شد



ایران و آمریکا گره خورده در دو انتخابات

### بازگشت به ساعت صفر!

یونس رنجکش انتخابات چهاردهمین دوره ریاست جمهوری با مشارکت نسی مردم بدون نتیجه نهایی پایان یافت و دو گزینه از دو جریان اصلاح طلبی و بنیاد گرایی به مرحله دوم راه یافتند. با مرور نتایج آرای شرکت کنندگان و بررسی سر انگشتی در مقایسه با دوره های گذشته آنچه رقیب اصلی اصلاح طلبان در روزنه گذشته تا راهگشایی مقابل جریان اصولگرایی بویژه خط بنیاد گراییه آن بود قیبت و قهر نیمی از واجدین شرایط در پای صندوق های رای و مشارکت در تعیین سرنوشت آینده کشور آرزایی می شود. این انتخابات که در دو لبه قیچی افراط گرایان داخلی و خارجی در مسیر تلاش برای کاهش حضور مردم از یک استراتژی واحد ناپخته قرار داشت در نهایت به گام دیگری پیوند خورد و در ساعت صفر ایستاد!



اسفند نامه زحمت چهاردهمین دوره ریاست جمهوری که صلاحیت آنها در شوراهای نظهبان احراز گردیده است به ترتیب حروف الفبا به شرح زیر اعلام می گردد:

محمد باقر قالیباف	۷۷
سعید جلیلی	۴۴
مسعود پورمحمدی	۳۳

## سرنوشت ریاست جمهوری در دستان «آرای خفته»

دلیل چهارم هم این که با سیاست کاری ندارند ولی می دانند که آقای جلیلی با سبک زندگی آنها کار دارد. این اوصاف هر ۴ انگیزه آرای خاموش و خانه مانده و به صندوق نریخته (سلب مشروعیت) از قیل مشخص بود. کارهای نبودن آتیزه از سیاست متنی شده و تنها یک دلیل می ماند: امید به گشایش روزه از دل تخریب و متنازعاً! اگرچه به خودزنی می ماند اما چون شنیده ام می نویسم!

اکنون روشن است که چه می خواهم بگویم: رییس جمهور آینده را و این که سعید (جلیلی) باشد یا مسعود (پزشکیان) همین آرای خفته تعیین می کنند. اگر بیدار شوند و به صحنه بیایند مسعود پزشکیان را یا ۲۰ میلیون رأی روانه ریاست جمهوری می کنند یا ۱۰ میلیون مرحله اول. به اضافه یک میلیون تکونکراتیک یا قالیباف و ۹ میلیون آرای خاموش.

اگر بیدار نشود احتمال موفقیت جلیلی وجود دارد اگرچه تنها قادر به جذب بخشی از آرای قالیباف باشد و ۴ و ۸ سال از عمر خود را بایسد با سیاست های ایدئولوژیک و اتسادی آقای جلیلی سپری کنند.

این تحلیل کامل نیست اگر به نکات دیگری اشاره نشود:

۱. کار به دستان به این بیندیشند که چه شده که از رقابت دو روحانی در سال های ۷۶ و ۹۶ و ۲۷ و ۴۰ میلیون رأی رسیده ایم به کل آرای ۲۴ میلیون. بخشی از این قهری شک از جانب زنان ایرانی است. گفتار تحقیر آمیز وزیر کشور و طرح حجاب مجلس تحت ریاست یا قالیباف موجب این گسست شده و تا این اصلاح نکنند ریزش ادامه دارد. جای خوش وقتی است که می توان حدس زد در دولت پمدی چه از آن سعید و چه مسعود جایی برای وزیر کشور فعلی نخواهد بود که یک وزارتخانه اجتماعی را با نگاه امتی و تهدید می خواست اداره کند.
۲. تا نتایج پوشش زنان را به رسمیت نشناسند آن همین است و گانه همین و بزرگترین دم خروسی که بیرون می رزد همین بود که نمی توانستند مدام از تکریم زنان بگویند و از مسوولیت طرح غیر قانونی و غیر شرعی جریمه های پوشش و طرح نور شانه خالی کنند و مردم این دو گانگی را در مقابل صداقت دکتر پزشکیان قرار دادند. اصول گرایی ایرانی جذب آرای زنان غیر دارای پوشش رسمی را دیگر باید از سر به در کند ضمن آن که به خاطر همین لحن زنان محببه بسیاری هم جذب لحن دکتر پزشکیان شدند و حجاب اختیاری دختر او که به دل ها نشست و مقایسه شد.
۳. اگر ترخ مشارکت به نصف ۸۸ رسیده به خاطر ترکیب نامردانه هم هست. از آن یکی نمی شود زیاد گفت ولی نمی شود احمدی نژاد با سابقه ۸ سال ریاست جمهوری را سه بار رد کنی و انتظار داشته باشی در مشارکت اثر نگذارد. درست است که به اقتصاد و اخلاق جامعه آسیب رسانده اما اگر قرار بر مجازات است باید مجامه شود و محروم کردن او از کاندیداتوری بخشی از جامعه را روی گردان کرد. این که نویسنده این سطور او را نمی پسندد و مفسر شروع انحطاط و خروج از ریل توسعه می داند به این معنی نیست که این واقعیت را یاد آور نشود ضمن این که وقتی آن دو نفر انصرافی لافتن تأیید شدند او هم با همان قاعده باید می شد. اگر نیاید می شد در ۸۴ نباید می شد.
۴. درست است که آقای پورمحمدی ستاره مناظره ها بود و عملکرد خوبی داشت و می تواند گزینه وزارت کشور در دولت پزشکیان و نه طبعاً جلیلی باشد اما برای روحانیت به عنوان طیف و صنف حاکم آرای او هرگز برانزده نیست. خاصه این که دبیر جامعه روحانیت مبارز است و لو شکل متیوع حمایت نکرده باشد. البته نباید فراموش کرد که بخش قابل توجهی از آرای دکتر پزشکیان به خاطر حمایت آقای خاتمی است. این که از صبح تا شب در تلویزیون روحانیت سخن رانی کنند و نامزد روحانی این قدر رأی بیارند تأمل برانگیز است و لاید از تخریب حسن روحانی و منتوع التصحیر کردن خاتمی و متهم کردن هاشمی رفسنجانی - هر سه روحانی - راضی اند و لاید خیال می کنند تقدیس مرحوم رییس کلیات می کنند.

نکات دیگری هم می توانم افزود اما بیم دارم اصل سخن فراموش شود و آن هم این است که رییس جمهور شدن پزشکیان بسته به آن است که اولاً آمده های جمعه ۸ تیر باز بیایند و به قاعده می آیند چون کار را که کرد آن که تمام کرد. این اما کافی نیست. نیامده ها هم بیایند چون بر ایشان روشن شده که نباید جمعه ۱۶ تیر سعید جلیلی رییس جمهور ایران خواهد شد و در تمام ششون زندگی ایرانیان اثر می گذارد. این هراس افکنی نیست. توصیف واقعیت است.

با اعلام تلخ نهایی انتخابات ریاست جمهوری هیچ یک از ۴ نامزد موفق به کسب حد نصاب (نصف به اضافه یک) نشده و کار به دور دوم کشیده که جمعه ۱۵ تیر ۱۴۰۳ - هفتمین هفته - برگزار می شود. این دومین بار در تاریخ برگزاری انتخابات ریاست جمهوری در ایران است که رییس جمهوری در مرحله دوم تعیین می شود و به خاطر همین سابقه هواداران سعید جلیلی امیدوارند اتفاق سال ۱۳۸۴ تکرار شود که هاشمی رفسنجانی اگرچه در مرحله اول بیشتر بود ولی بازی را در مرحله دوم به محمود احمدی نژاد واگذار کرد. به همین خاطر باید نیست در این هفته به جای آن که سراز روحانی بروند از خاطره هاشمی رفسنجانی فقید یاد کنند. امید اصلی برای مسعود پزشکیان اما این است که هم ممکن است بخشی از آرای نامزد ناکام - محمد باقر قالیباف - به سوی پزشکیان سوق پیدا کند و هم مهم تر از آن آرای خفته بیدار و به جانب او روانه شود.

از کل ۲۴ میلیون و ۵۲۵ هزار و ۱۸۵ رأی شمارش شده مسعود پزشکیان با ۱۰ میلیون و ۴۷۵ هزار و ۹۹۱ در جای نخست ایستاده اما چون به نصف به اضافه یک نرسید رییس جمهور شده (البته فعلاً). سعید جلیلی هم با ۹ میلیون و ۴۷۳ هزار و ۳۹۸ رأی در جای دوم قرار گرفته و با هم به مرحله دوم راه یافتند.

هدف قانون گذار از دو مرحله ای کردن این است که رییس جمهوری با آرای بیشتری انتخاب شود هر چند برخی معتقدند هیچ تضمینی وجود ندارد چون در دولت پمد یا هر رأی بیشتر رییس جمهوری تعیین می شود و الزاماً به افزایش آرای نمی انجامد.

جدای این دو می توان از محمد باقر قالیباف گفت که از چهارمین حضور خود هم طرفی نیست (با احتساب انصراف ۹۶ و شکست متحد ام مرحوم رییس) و سهم او تنها ۳ میلیون و ۲۸۳ هزار و ۲۳۰ رأی است که با توجه به اشتهار و سابقه و وعده های بسیار دهان پرکن - که اگر چه به ابتدال لاف گزاف آن دو نفر دیگر نبود اما جذاب تر می نمود - بسیار قابل توجه است.

با قاطعیت نمی توان نظر داد که اگر کنار می کشید آرای او به کدام سید و وزیر می شد. زیرا انگیزه حامیان او هم با وجوه ایدئولوژیک است که با جلیلی هم پوشانی دارد و هم تکونکراتیک که با پزشکیان. در مجموع اما حضور او به نفع اصلاحات شد. خاصه اگر پزشکیان رییس جمهور شود نمی تواند در مقام رییس مجلس زیاد سر به سر دولت او بگذارد چرا که از درون مجلس هم تحت فشار است.

به هر رو سعید (جلیلی) و مسعود (پزشکیان) روانه مرحله دوم شدند و مهم ترین نکته همان است که گفته شد: سقف آرای جلیلی همان است که دیدیم و آرای خفته و خاموش ندارند و همه بیدارند و تنها افزونگی آن می تواند بخشی و نه تمام آرای قالیباف باشد. سقف آرای پزشکیان اما این قدر نیست. کافی است آرای خفته بیدار شود و به صحنه بیاید چرا که هر ۴ دلیل رأی ندادن گروهی از آرای خاموش متنی شده است: دلیل اول که اگر رأی ندهند سلب مشروعیت می کنند و دیدند که به هر حال ۴۰ درصد مشارکت کردند ضمن این که به فرض که سلب مشروعیت کنند و مثلاً پزشکیان هم نامزد نبود. حالا آقای جلیلی یا همان ۹ میلیون رییس جمهور کشور ۸۵ میلیونی بود. می گوید نمی شود و مشروعیت نداشت! مگر در افغانستان ۳۰ میلیونی با ۱۰ میلیون واجد شرایط اشرف غنی با یک میلیون رأی رییس جمهور نشد؟ نامشروع بود؟ رقیب او عبدالله عبدالله هم ۳۰۰ هزار کمتر از او و بر سر این ۳۰۰ هزار آن قدر بر سر هم کوفتند که آمریکا و طالبان در قطر توافق کردند و بساط جمهورییت را برچیدند و امارت اسلامی برپا شد! طالبان اصلاً انتخابات برگزار نمی کند. چون معتقدند در اسلام برابری ناریم. نه رأی عالم و عامس برابر است و نه زنان حق رأی دارند. درست است که فعلاً طالبان را به رسمیت نمی شناسند ولی عملاً دنیا پذیرفته است. پس نه رأی یک میلیونی رییس جمهور معزول افغانستان از کشور ۳۰ میلیونی سلب مشروعیت کرده نه بی انتخابات بدون طالبان.

دلیل دوم آنانی که رأی ندادند این بود که می گفتند از قیل تعیین شده و همان قالیباف است! مثل سال ۸۴ که می گفتند از قیل تعیین شده و هاشمی رفسنجانی است. حالا اما این تصور باطل شد و از قیلی در کار نبود. هر چند از حق نباید گذشت حضور او این بار مانع اتحاد جبهه پایداری شد و این را نباید فراموش کرد. این دلیل هم پس متنی شده و دیگر نمی تواند بگوید از قیل تعیین شده و شرط بیندند باقر قالیباف است. دلیل سوم این است که رییس جمهوری کارهای نیست. اما اگر کارهای نیست این همه اشتیاق از سر چیست؟ روشن است که کارهای هست و آرا به قدرت او ضریب می دهد.



## همیشه یک راهنما نیازه وکیل خود نباشیم!

کانون وکلای دادگستری گیلان  
Guilanbar.ir













